

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقرالعلوم (ع)
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)

دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان

بررسی گوهر و صدف دین از دیدگاه

علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره)

استاد راهنما

حجت الاسلام دکتر محسن قمی

استاد مشاور

دکتر حسن عبدی

نگارش

سید حسین رضوی

آذر ۱۳۹۲

تقدیم

تقدیم به روح پر فتوح فیلسوف و مفسر عظیم الشان علامه طباطبائی (رحمه الله)
و روح ملکوتی معمار کبیر انقلاب امام خمینی (قدس سره) که عمر خویش را در راه
تبلیغ دین ناب محمدی (ص) و تبیین معارف الهی و هدایت انسان‌ها صرف نمودند و
رحمت خدا بر ارواح طیبه ایشان باد.

تقدیر نامه

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استاد فرهیخته راهنما حجت الاسلام و المسلمین دکتر قمی و همچنین استاد مشاور جناب آقای دکتر عبدی که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کار ساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر نمایم.

چکیده

مسئله گوهر و صدف دین یکی از مسائل مهم و مطرح فلسفه دین، در زمان معاصر است. سوال اصلی در این مقاله این است که آیا علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) به عنوان دو فیلسوف برجسته و معاصر اسلامی مطالبی درباره این مسئله مطرح کرده‌اند و آیا می‌توان از دیدگاه آنان تفسیری برای گوهر و صدف دین ارائه نمود؟ بسیاری از فیلسوفان دین غربی معتقدند دین دارای گوهر و صدف می‌باشد. از نظر برخی گوهر دین، تجربه دینی است و از نظر برخی دیگر اخلاق گوهر دین است و سایر آموزه‌ها صدف دین به شمار می‌رود. بر این اساس، دین چیزی جز همان تجربه دینی - که امری شخصی است - نمی‌باشد. در حالی که علامه طباطبایی و امام خمینی حقیقت دین را تجربه دینی نمی‌دانند، لذا چنین دیدگاهی را در مورد گوهر و صدف دین قابل پذیرش نمی‌دانند.

برخی از نویسندگان برای تبیین گوهر و صدف دین تلاش کرده‌اند گوهر و صدف دین را بر پایه ذاتی و عرضی دین تفسیر نمایند. در میان عارفان نیز برخی کوشیده‌اند گوهر و صدف دین را بر اساس تمایز میان شریعت، طریقت و حقیقت توجیه نمایند. در این میان عده‌ای نیز گوهر و صدف دین را قابل تطبیق بر اصول و فروع دین دانسته‌اند. عده‌ای نیز معتقدند می‌توان از اهداف عالی و میانی دین، تعبیر به گوهر و صدف نمود. مراد از صدف در این اصطلاح عبارت است از یک امر بی‌ارزش و وسیله‌ای برای دست‌رسی به گوهر که پس از دست‌رسی به گوهر، ارزش خود را از دست خواهد داد.

با بررسی آثار علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره)، می‌توان گفت که از نظر آنان تعبیر از آموزه‌های دینی به گوهر و صدف قابل قبول نیست، زیرا سراسر دین اسلام، گوهر است و در آموزه‌های دینی چیزی به نام صدف وجود ندارد. بنابراین از آن چه به عرضی دین، شریعت و طریقت دین، فروع دین و اهداف میانی دین تعبیر شده، نمی‌توان به منزله صدف دین یاد کرد. زیرا این موارد دارای ارزش ذاتی هستند، نه آن که صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به حقیقت دین باشند. اما آن چه از دیدگاه این دو بزرگوار قابل قبول می‌باشد این است که همه آموزه‌های دینی دارای ارزش ذاتی بوده و تنها از نظر اهمیت در مراتب مختلفی قرار دارند، که در رأس همه آموزه‌های دینی مربوط به توحید قرار دارد.

واژگان اصلی: گوهر، صدف، دین، ذاتی، حقیقت، اصول، هدف، علامه طباطبایی (ره)، امام خمینی (ره).

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق و مفاهیم ۱

- گفتار اول: کلیات ۱
- ۱-۱-۱- طرح مسأله ۱
- ۱-۱-۲- پرسش‌های تحقیق ۲
- ۱-۱-۳- پیشینه مسأله ۲
- ۱-۱-۴- پیشفرضها ۳
- ۱-۱-۵- اهداف تحقیق ۳
- گفتار دوم: مفاهیم ۴
- ۱-۲- تعریف دین ۴
- مفهوم دین از منظر علامه طباطبایی(ره): ۸
- مفهوم دین از منظر امام خمینی(ره): ۹
- ۲-۲- تعریف گوهر و صدف ۱۱
- ۳-۲- لبّ و قشر دین ۱۲
- ۴-۲- علامه طباطبایی(ره) ۱۳
- ۵-۲- حضرت امام خمینی(ره) ۱۵

فصل دوم: تاریخچه بحث ۱۸

- ۱-۲- تاریخچه گوهر و صدف دین در غرب ۱۸
- ۱-۱-۲- سنت گرایی ۱۹
- ۲-۱-۲- تجربه‌گرایی دینی ۲۰
- ۲-۲- بررسی آموزه‌های دینی مشابه به گوهر و صدف در اسلام ۳۰
- ۱-۲-۲- ذاتی و عرضی دین ۳۰
- ۲-۲-۲- شریعت و طریقت و حقیقت ۳۶
- ۳-۲-۲- اصول و فروع دین ۵۰
- ۴-۲-۲- هدف اعلی و میانی دین ۵۴

فصل سوم: دیدگاه علامه طباطبایی در مورد ساختار آموزه‌های دینی ۶۰

- ۱-۳- گوهر و صدف دین ۶۰
- ۲-۳- ذاتی و عرضی دین ۶۶
- ۳-۳- شریعت و طریقت و حقیقت ۷۴
- ۴-۳- اصول و فروع دین ۷۸
- ۱-۵-۳- توحید ذاتی ۸۳
- ۲-۵-۳- توحید صفاتی ۹۰
- ۳-۵-۳- توحید افعالی ۹۲
- ۴-۵-۳- معاد ۹۳
- ۵-۵-۳- نبوت ۹۴
- ۵-۳- هدف اعلی و میانی دین ۱۰۴
- چکیده: ۱۱۷

فصل چهارم: دیدگاه امام خمینی(ره) در مورد ساختار آموزه‌های دینی ۱۱۹

- ۱-۴- گوهر و صدف دین ۱۱۹
- ۲-۴- ذاتی و عرضی دین ۱۲۱
- ۳-۴- شریعت و طریقت و حقیقت ۱۲۷
- ۴-۴- اصول و فروع دین ۱۳۵
- ۵-۴- هدف اعلی و میانی دین ۱۴۱
- چکیده: ۱۴۶

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات ۱۴۸

- ۱-۵- نتیجه گیری ۱۴۸
- ۲-۵- وحدت پیام ادیان ۱۵۰
- ۳-۵- پیشنهادات ۱۵۶
- فهرست منابع: ۱۵۸

فصل اول: کلیات تحقیق و مفاهیم

فصل اول در دو گفتار بررسی می‌گردد، که گفتار اول در رابطه با کلیات بوده و گفتار دوم، مربوط به مفاهیم است.

گفتار اول: کلیات

۱-۱-۱- طرح مساله

گوهر و صدف دین یکی از مسائل جدیدی است که برای آن تفاسیر مختلفی مطرح شده است. تفسیر مشهوری که در میان فلاسفه غرب رواج دارد این است که اصل و اساس دین گوهر دین بوده و صدف دین تنها وسیله‌ای برای رسیدن به گوهر دین بوده و بعد از وصول به گوهر، ارزش خود را از دست می‌دهد. چنین تعبیری در میان فلاسفه اسلامی وجود ندارد، اما تعبیری مشابه این تعبیر در آموزه‌های دینی وجود دارد، همانند تعبیر به اصول و فروع دین، هدف عالی و میانی دین، طریقت و شریعت و حقیقت و ذاتی و عرضی دین، که عده‌ای این تعبیر را تفسیر گوهر و صدف دین می‌دانند.

حال با توجه به اینکه علامه طباطبایی^(ره) و امام خمینی^(ره) از فلاسفه اسلامی مطرح در زمان معاصر بوده و از طرفی چنین تعبیری در کلمات این دو بزرگوار وجود ندارد، لذا به دنبال این خواهیم بود که ابتدا نظر ایشان را راجع به تفسیر مشهور از گوهر و صدف دین، که نزد فلاسفه غرب مطرح است، را بررسی نموده و سپس بررسی خواهیم نمود که آیا می‌توان از آموزه‌های دینی تفسیری برای گوهر و صدف دین ارائه کرد، یا اینکه چنین تعبیری صحیح نمی‌باشد.

۱-۱-۲- پرسش‌های تحقیق

این تحقیق در صدد پاسخ به یک پرسش اصلی و چند پرسش فرعی است. پرسش اصلی اینکه دیدگاه علامه طباطبایی و امام خمینی (ره) در مورد جایگاه و اهمیت اجزاء و آموزه‌های دینی چیست؟ و پرسش‌های فرعی آن عبارتند از اینکه مراد از اصطلاح دین، گوهر و صدف چیست؟ پیشینه این مساله در جهان غرب چیست؟ پیشینه آن در اسلام چیست؟ در نظر علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) اجزاء دین دارای اهمیت یکسانی هستند یا متفاوت می‌باشند؟ مهمترین جزء دین چیست؟ موارد اشتراک و افتراق این دو نظریه چیست؟

۱-۱-۳- پیشینه مسأله

لفظ گوهر و صدف دین از کلماتی است که ابتدا در میان فلاسفه غرب مطرح شده، که آنها از تجربه دینی به گوهر دین تعبیر کرده‌اند. در میان فلاسفه و عرفای اسلامی لفظ گوهر مطرح نبوده، بلکه آنها تعبیر به لبّ و قشر کرده‌اند، که مرادشان طریقت و حقیقت و شریعت بوده است.

در این زمینه، در مورد دیدگاه علامه طباطبائی (ره) و امام خمینی (ره) تحقیق مهمی صورت نگرفته و در کتب و مقالات مختلف به جزئیات این مساله اشاره شده است، که به آنها در طی این پژوهش اشاره خواهیم نمود. همانند کتاب تجربه دینی و گوهر دین^۱، نوشته علیرضا قائمی‌نیا، که در این کتاب تجربه دینی بررسی شده و فلاسفه غرب برای نجات دادن مسیحیت از انتقاداتی که در دوره مدرن مطرح شده بود، گوهر و هسته مسیحیت را نوعی تجربه دینی دانستند و به طور کلی تجربه دینی گرایشی است که گوهر دین را تجربه دینی می‌داند. همچنین کتاب دین شناسی^۲، تالیف آیت الله جوادی آملی که در بخش دوم از کتاب به صورت بسیار مجمل بحث گوهر و صدف دین و تفاسیر مختلف را راجع به آن مطرح نموده و در پایان نظر خاص خود را مطرح کرده‌اند. در میان مقالات هم، مانند مقاله گوهر و صدف دین^۳، تالیف احمد بهشتی، که به صورت

۱ - علیرضا قائمی‌نیا، تجربه دینی و گوهر دین، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۲ - عبدالله جوادی آملی، دین‌شناسی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۲.

۳ - احمد بهشتی، گوهر و صدف دین، کلام اسلامی، ش ۱۹، پاییز ۱۳۷۵.

کلی نظریه گوهر و صدف دین را مطرح نموده و همچنین گوهر دین و دین داری از منظر عرفان اسلامی، با تاکید بر رابطه آن با مراتب هستی،^۱ تالیف محمد مهدی گرجیان و زهرا شریف، که به دیدگاه عرفا در رابطه با گوهر دین پرداخته است، می‌توان اشاره نمود و همچنین سایر کتب و مقالاتی که در این زمینه وجود دارد و در طی همین پژوهش به آنها استناد خواهیم نمود.

۱-۱-۴-پیش فرض‌ها

این تحقیق دارای پیش فرض‌هایی است که در کتب معتبر علمی به اثبات رسیده است که عبارتند از؛

۱- مراد از دین، دین اسلام است.

۲- آموزه‌های دینی، شامل آموزه‌های اصول و فروع و احکام و اخلاق می‌باشد.

۳- در دین چیزی به نام حقیقت و طریقت و شریعت وجود دارد.

۴- آموزه‌های دینی دارای اهمیت متفاوت هستند، که در میان آنها هدف اعلی و اهداف میانی وجود دارد.

۱-۱-۵-اهداف تحقیق

هدف از این تحقیق برای به دست آوردن یک ملاک و معیار، جهت تشخیص جایگاه و اهمیت ابعاد مختلف دین و رابطه آن با حقیقت دین است. از طرف دیگر چون علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) از فیلسوفان مطرح دوره معاصر بوده به نظر می‌رسد که بررسی دیدگاه این دو بزرگوار از ضرورت ویژه‌ای برخوردار باشد.

۱ - محمد مهدی گرجیان، زهرا شریف، ماهنامه فلسفه دین، سال ششم، ش ۳. پاییز ۱۳۸۸.

گفتار دوم: مفاهیم

در این گفتار به تعریف دین، گوهر و صدف، لبّ و قشر و همچنین به صورت مختصر به بررسی ابعاد شخصیتی علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) خواهیم پرداخت.

۱-۲- تعریف دین

دین، از جمله موضوعاتی است که همواره توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است و برای آن تعاریف متعددی ارائه شده است. یکی از ادله اختلاف گسترده و فراوان در شناخت دین، این واقعیت است که هر یک از دانشمندان از زاویه‌ای به دین نگریسته و آن را مورد بررسی قرار داده است.

برخی تعریف‌ها، به ماهیت و حقیقت دین به عنوان مجموعه‌ای از قضایای اعتباری نظر دوخته است. گروهی دیگر با توجه به آثار و نتایجی که از دین انتظار می‌رود، آن را تعریف کرده‌اند و بعضی دیگر دین محقق و حالت روانی انسانهای دیندار و معتقد را مورد بررسی قرار داده‌اند و دسته‌ای کوشیده‌اند تا تعریف جامعی برای همه ادیان آسمانی و غیر آسمانی ارائه دهند و دسته‌ای هم تنها ادیان آسمانی را بررسی کرده‌اند. گروهی بر عوامل هنجاری و ارزشی تکیه دارند و برخی بر عوامل کاربردی و عملی و همچنین تعاریف مختلفی از جنبه‌های مختلف به بررسی و تعریف دین پرداخته‌اند.

در این قسمت از بحث به دنبال این خواهیم بود که از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) تعریف دین چه خواهد بود.

معنای لغوی دین: واژه دین از نظر لغوی از (دان) به معنای خضوع کردن، حقیر شدن و کم شمردن و در مورد خداوند یعنی اطاعت و بندگی او.^۱

۱ - محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۴۶۱ و ابراهیم انیس و همکاران، المعجم الوسیط، بی جا، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۰۷.

معنای اصطلاحی دین: علامه طباطبایی و حضرت امام خمینی(ره) در آثار خویش، تعاریف گوناگونی از دین ارائه نموده‌اند. این دوبرگوار در تعریف و شناسایی دین، گاه به معرفی آن به صورت عام و کلی، که همه ادیان اعم از آسمانی و غیر آسمانی را در برگیرد، نظر دوخته‌اند و گاهی تنها به معرفی ادیان آسمانی پرداخته‌اند. در آثار ایشان با هر دو تعریف مختلف از دین رو به رو می‌شویم، که به صورت مفصل بیان خواهیم کرد:

الف) ماهیت و حقیقت دین به طور عام و فراگیر

در نظر علامه طباطبایی و امام خمینی(ره)، انسان در زندگی خود همواره در پی رسیدن به سعادت، خوشبختی و کامروایی است و جز رسیدن به آن هدفی ندارد. از سوی دیگر فعالیت‌های انسان هرگز بدون طرح و برنامه انجام نمی‌پذیرد. از این رو برای رسیدن به خوشبختی، ناگزیر از پیمودن راهی مناسب و به کار بستن قوانین و مقرراتی ویژه است. قوانین و سنت‌هایی را که انسان برای رسیدن به خوشبختی در زندگی اجتماعی خود از آنها پیروی می‌کند، به نوع اعتقاد و بینش وی درباره واقعیت هستی و انسان به عنوان جزئی از جهان هستی وابسته است و اختلاف در جهان بینی، سبب بروز اختلاف در سنت‌های اجتماعی می‌گردد. از این رو، دین، حقیقتی فراگیر و عام دارد که هیچ یک از افراد انسان، حتی منکران خداوند، از آن بر کنار نیستند. بنابراین، دین روش عملی زندگی در این جهان بر مبنای اعتقاد درباره جهان و انسان به عنوان یکی از اجزا آن است، اعم از اینکه این روش از راه نبوت و وحی گرفته شود یا از راه وضع قراردادهای بشری.^{۱-۲}

ب) ادیان الهی و آسمانی

هر چند دین مجموعه قوانینی است که انسان زندگی اجتماعی خود را برای رسیدن به خوشبختی بر اساس آن تنظیم می‌کند، ولی چنین نیست که همه ادیان بتوانند انسان را به سعادت

۱ - سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷. ج ۲، ص ۱۱۱-۱۲۲.

۲ - سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۲۱ جلد، ۱۳۸۷. ج ۲، ص ۱۵۴.

و خوشبختی واقعی و حقیقی برسانند. از اینجاست که ادیان، به ادیان حق و باطل تقسیم می‌شوند. از دیدگاه علامه طباطبایی^۱ و امام خمینی (ره)^۲ طبق استناد به آیه کریمه (إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى)^۳ دینی بر حق است و می‌تواند سعادت و خوشبختی انسان را تامین کند که از سوی خداوند وضع گردیده باشد؛^۴ چراکه همه موجودات جهان در هستی خود هدف و غایتی دارند که از نخستین روز آفرینش، از مناسبترین و نزدیکترین راه به سوی آن در حرکتند و در داخل و خارج وجود خویش، به تمام چیزهایی که برای رسیدن به هدف به آن نیازمندند، مجهز هستند. انسان نیز به عنوان جزئی از جهان هستی از این قانون بر کنار نیست، بلکه تجهیزات و قوای وجودی او، بهترین دلیل بر آن است که وی نیز همانند دیگر موجودات، هدفی متناسب با تجهیزات و ساختمان وجودی خویش دارد و سعادتش در گرو رسیدن به آن هدف است.

بنابراین تنها قانون و راه رسم زندگی، قانونی است که آفرینش ویژه انسان و جهان که انسان از اجزا تفکیک ناشدنی آن است، وی را به سوی آن هدایت کند، نه آنچه از عواطف و احساسات فرد و جامعه سرچشمه می‌گیرد، و تنها دینی که می‌تواند سعادت انسان را تضمین کند، دینی است که امیال و قوای متضاد وجود انسان را تعدیل نماید، زمینه رشد و تکامل همه آنها را در حدی که مزاحم دیگر قوا نباشد، فراهم سازد. همچنین در وجود انسان عقل را بر خواسته‌های نفسانی و احساسات و عواطف مخالف با عقل حاکم کند و در جامعه نیز مصلحت واقعی مردم را در نظر گیرد، نه نفع افراد قدرتمند و مستبد را، و نه خواست اکثریت را، هر چند مخالف حق و مصلحت جامعه باشد. خلاصه آنکه تنها مقررات و قوانینی در زندگی می‌تواند انسان را سعادت‌مند کند که از راه آفرینش برای وی مشخص گردیده باشد و علل و عوامل درونی و بیرونی انسان را به انجام آن دعوت نماید. معنای اینکه مجموعه شرایط درونی و بیرونی انسان را به انجام آن دعوت نماید، این است که خداوند آن را خواسته باشد و به آن فرمان دهد؛ زیرا خداوند چیزی را می‌خواهد و اراده

۱ - سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲ - صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۲۳۵.

۳ - بقره (۱)، آیه ۱۲۰.

۴ - سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۶۴.

می‌کند که علل و شرایط تحققش را به وجود آورده باشد. خداوند متعال گاهی علل و شرایط وجودی آنچه را اراده کرده، به گونه‌ای فراهم می‌کند که پیدایش جبری آن را به دنبال داشته باشد و خواست و اراده دیگری در آن دخالت نداشته باشد. (اراده تکوینی)، و زمانی وجود چیزی را به گونه‌ای اراده می‌کند که انسان آن را با اراده و اختیار انجام دهد (اراده تشریعی).

خلاصه آنکه انسان در زندگی هدفی دارد؛ سعادت زندگی که باید در راه به دست آوردن آن در طول زندگی تلاش و کوشش نماید و این فعالیت بدون برنامه نتیجه بخش نخواهد بود و این برنامه را نیز باید از کتاب فطرت و آفرینش خداوند و به عبارت دیگر از تعالیم الهی فرا گرفت.^{۱-۲}

دلیل دیگر بر لزوم گرفتن برنامه زندگی اجتماعی و دین از راه وحی این است که بشر در دوره‌های گوناگون زندگی خویش همواره در آرزوی قانونی بوده تا جهان بشریت را بدون تبعیض به نیکبختی برساند. بدیهی است عقل و خرد انسان، تاکنون به درک چنین قانون مشترکی که همه عقلا بر آن اتفاق نظر داشته باشند و بتواند سعادت انسان را تامین کند، دست نیافته است. درحالی‌که اگر آفرینش انسان تنظیم قانون سعادت بشریت را به عهده خودش نهاده بود، باید در این مدت طولانی بدان دست می‌یافت؛ بلکه لازم بود همه آحاد مردم که از عقل و خرد برخوردارند، آن را درک می‌کردند، همانگونه که هر عاقلی لزوم چنین قانونی را برای سعادت بشریت درک می‌کند.

بنابراین عقل و خرد انسان، از درک قانون سعادت و تنظیم برنامه خوشبختی خویش عاجز و ناتوان است و از آنجا که همه عقلا به ضرورت وجود چنین قانونی اذعان دارند، ناگزیر در کنار

۱ - سید محمد حسین طباطبایی، قرآن در اسلام، موسسه بوستان کتاب، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۶-۱۰.

۲ - سید روح الله موسوی خمینی، تبیان، دفتر نهم، آیین انقلاب اسلامی، ۲جلدی، چاپ و نشر عروج، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۱-۶۳.

عقل، دستگاه درک کننده دیگری باید وجود داشته باشد، که وظایف واقعی انسان را به او بفهماند و این جز وحی و نبوت چیز دیگری نیست.^۱

حال بعد از بیان کلیات بحث به دیدگاه این دویزرگوار در مورد مفهوم دین خواهیم پرداخت.

مفهوم دین از منظر علامه طباطبایی(ره):

علامه طباطبایی ادیان الهی را چنین معرفی می‌کند: «دین، مجموعه‌ای مرکب از معارف درباره مبدا و معاد و قوانین اجتماعی از عبادات و معاملات است که از طریق وحی و نبوت گرفته شده است.»^۲ در جای دیگر، دین را با توجه به آثار و نتایجی که برای انسان در پی دارد، این گونه معرفی می‌کند: «دین، نحوه سلوک در زندگی دنیاست که صلاح دنیا را در بر دارد. بگونه‌ای که با کمال اخروی و حیات جاودانه حقیقی نزد خداوند، هماهنگ و همسو باشد. از اینرو، دین باید به قوانین زندگانی دنیوی و وضعیت معیشت به مقدار نیاز پردازد.»^۳ همچنین در همین زمینه به بیان دیگری چنین می‌فرماید: «دین جز روش زندگی و راهی که انسان باید بپیماید تا در زندگی خوشبخت و سعادت‌مند گردد، چیز دیگری نیست.»^۴ و نیز «دین همان روش زندگی است و میان روش دین و زندگی هیچگونه جدایی نیست»^۵

از منظر علامه طباطبایی، ادیان الهی، معیار و میزان شناخت عقاید و اعمال صحیح از باطل و یگانه راه تضمین کننده سعادت و خوشبختی فردی و اجتماعی انسان است، که در این

۱ - سید محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، چاپ چهارم، قم، امیران، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳ و ۱۳۵.

۲ - سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۷-۸.

۳ - همان، ج ۲، ص ۱۳۰.

۴ - همان، ج ۱۶، ص ۱۷۸.

۵ - سید محمد حسین طباطبایی، بررسی‌های اسلامی، ویرایش سید هادی خسروشاهی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۰.

رابطه می‌فرمایند: «دین همان چیزی که بوسیله آن، عقاید و اعمال افراد انسان سنجیده می‌شود و همان چیزی است که خوشبختی فردی و اجتماعی انسان بدان وابسته است.»^۱

ایشان همچنین در تبیین دین می‌فرمایند: «دین نزد خداوند متعال یکی است و اختلافی در آن نیست. خداوند بندگانش را جز به آن امر نکرده، و در آنچه برای پیامبرانش فرستاده جز آن را بیان ننموده، و نشانه‌های هدایتگر را جز برای آن قرار نداده است و آن اسلام است که همان تسلیم شدن در برابر حق - اعتقاد و اعمال حق - می‌باشد. به بیان دیگر، تسلیم شدن در برابر بیان صادر از مقام ربوبی در معارف و احکام است. هرچند از نظر کمیت و کیفیت در شریعت های پیامبران متفاوت است، ولی همگی از حقیقت یگانه‌ای برخوردار هستند و تنها در کمال و نقص با یکدیگر اختلاف دارند، نه اینکه با هم متضاد و منافی باشند. ادیان آسمانی در درجات بر یکدیگر برتری دارند و جامع همه آنها، تسلیم و اطاعت از خداوند است، در آنچه از بندگانش بوسیله پیامبران خواسته است.»^۲

بنابراین آنچه از بیانات علامه طباطبایی استفاده می‌شود این است که دین مجموعه‌ای از معارف جامعی است که از طرف خداوند متعال توسط وحی و انبیاء به انسان‌ها واصل شده و سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها را تامین می‌نماید و اجتماع را به تکامل می‌رساند.

مفهوم دین از منظر امام خمینی(ره):

حضرت امام خمینی(ره) دین را برنامه الهی می‌داند که جامع سعادت دنیوی و اخروی کلیه افراد بشر در حوزه حیات اجتماعی و خصوصی آنها است. ایشان از جنبه‌های متعدد، تعاریفات متعددی را بیان نموده‌اند که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

حضرت امام معتقدند که دین الهی برای انسان‌سازی آمده و در این رابطه می‌فرمایند: «دین الهی برای انسان زمینی آمده است تا این میوه ناقص را به کمال برساند و او را از حسیض حیوانی

۱ - سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۷۱.

۲ - سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۰-۱۲۱.

به اوج انسانیت و عبودیت برساند»^۱ و همچنین معتقدند که ادیان الهی به همه ابعاد انسان توجه دارد^۲ و می‌فرمایند: «دین اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته و لو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.»^۳

بنابراین حضرت امام حساب اسلام را از بقیه ادیان جدا کرده و با ذکر برجستگی‌های دین اسلام بیان می‌دارند که: «گمان نشود اسلام مثل مسیحیت است که فقط یک رابطه معنوی مابین افراد و راهنمای زندگی می‌باشد» و تأکیدشان بر این است که اسلام دنیا و آخرت را باهم در نظر داشته و به امور مادی و معنوی با هم نظر دارد: «اسلام علاوه بر اینکه بشر را در روحيات غنی می‌کند، در مادیات غنی می‌کند ... اسلام همان‌طوری که به معنویات نظر دارد و همان‌طوری که به روحيات نظر دارد و تربیت دینی می‌کند و تربیت نفسانی می‌کند و تهذیب نفسانی می‌کند، همان‌طور به مادیات نظر دارد و مردم را تربیت می‌کند در عالم، که چطور از مادیات استفاده کنند و چه نظری داشته باشند در مادیات.»^۴ همچنین می‌فرمایند: «دین اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته و لو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.»^۵

۱ - سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام خمینی، همان، ج ۲، ص ۱۵۴.

۲ - تبیان، دفتر نهم، آیین انقلاب اسلامی، ۲جلدی، چاپ و نشر عروج، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۹.

۳ - سید روح الله موسوی خمینی، وصیت نامه الهی و سیاسی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱، ص ۸.

۴ - سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام خمینی، همان ج ۵، ص ۱۱۹.

۵ - سید روح الله موسوی خمینی، وصیت نامه الهی و سیاسی، ص ۸.

حضرت امام به صورت کلی می‌فرمایند که دین «قانون بزرگ خدایی است که برای اداره کشورهای جهان و چرخاندن چرخهای زندگی» آمده است.^۱ و هدف اساسی آن انسان‌سازی و ایجاد آسایش و سعادت بشر می‌باشد. ایشان با تأکید بر کامل بودن و جامعیت دین معتقدند که دین برای جنبه‌های مختلف زندگی، حکم و برنامه دارد. در ادامه با تأکید بر اسلام به عنوان کاملترین دین و نیز با توجه به مذهب شیعه که دارای عالی‌ترین منابع معرفت دینی است، بیان می‌دارد: «ما اهل مذهبی هستیم که از این دو منبع هر دو استفاده می‌کنیم: از وحی و از منبع ولایت. و سایر فرق این منبع دوم را کم دارند...»^۲.

بنابراین آنچه از بیانات امام خمینی (ره) به دست می‌آید اینکه دین برنامه جامع الهی است، که در جمیع شئون بشر و در همه جهات دخالت دارد و تنها راه سعادت بشر و جامعه در عمل کردن به دین، آن هم دین اسلام، که کاملترین دین الهی است.

۲-۲- تعریف گوهر و صدف

گوهر در لغت به معنای «جوهر»^۳ است و همچنین به «مطلق جواهر» نیز اطلاق می‌شود.^۴ معانی دیگر آن «اصل و نسب» و «هر چیز والا و نفیس» می‌باشد.^۵

در اصطلاح؛ گوهر دین،^۶ مرتبه‌ای از دین است که پایه و حقیقت دین محسوب می‌شود و هدف غایی تشریح شریعت و تقنین طریقت بوده، به گونه‌ای که هر کس واجد آن باشد، صاحب مقام دینداری عمیق و والاست و هر آنکه از دارایی چنین گوهری مهجور مانده باشد، حظی از

۱ - سید روح الله موسوی خمینی، کشف‌الاسرار، قم، پیام اسلام، بی تا، ص ۱۸۵.

۲ - سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام خمینی، همان، ج ۲۰، ص ۱۵۷

۳ - محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ پانزدهم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۴۷۷.

۴ - علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ج ۱۲.

۵ - حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱، ج ۶.

۶ - Essence of religion

دین و دینداری حقیقی نبرده است. در مقابل گوهر دین، صدف دین قرار دارد. مراد از صدف دین آن آموزه‌هایی از دین می‌باشند که مقدمه رسیدن به گوهر دین هستند.

تعبیر گوهر و صدف دین در میان فلاسفه غرب مطرح شده است و همانگونه که از کلمات آنها بدست می‌آید، (در فصل دوم به صورت مفصل بررسی خواهد شد) مرادشان از گوهر و صدف دین، این است که گوهر دین، هسته اصلی دین می‌باشد و صدف وسیله‌ای است برای رسیدن به گوهر و همانند گوهر دارای ارزش ذاتی نیست^۱، بلکه تا زمانی ارزشمند است، که وسیله‌ای برای رسیدن به گوهر باشد و با رسیدن به گوهر، صدف ارزش خود را از دست خواهد داد.^۲

۲-۳- لب و قشر دین

لب در لغت به معنای مغز است و قشر هم به معنای پوسته می‌باشد و مراد از اصطلاح لب و قشر دین، همان با اهمیت‌ترین و با ارزش‌ترین جزء دین می‌باشد و مراد از قشر دین سایر اجزاء دین است، که بالنسبه به یکدیگر از نظر اهمیت، در درجات مختلفی قرار دارند.

برای توضیح این دو اصطلاح باید این نکته را یادآور شویم که در مورد رابطه میان گوهر و صدف دین دو نظر اصلی وجود دارد.^۳ نظر اول اینکه ارزش صدف را به اعتبار گوهر دانسته و در صورت دسترسی به گوهر، صدف را بی‌ارزش تلقی می‌کنند، که مراد فلاسفه غرب از گوهر و صدف دین، همین معنا است و در میان فلاسفه اسلامی، کسانی که از این تعبیر استفاده می‌کنند، مرادشان همین معنای از گوهر و صدف دین است، که با رسیدن به گوهر، صدف بی‌ارزش خواهد بود. همچنین آنچه از معنای ظاهری گوهر و صدف دین به ذهن تلاقی می‌کند و شهرت پیدا کرده، همین معنا است. در مقابل می‌توان به نظر کسانی اشاره نمود که معتقدند صدف دین برای

۱ - ر ک : دین در محدوده عقل تنها، ایمانوئل کانت، ترجمه منوچهر صانعی، ص ۱۷۱.

۲ - عبدالله جوادی آملی، دین شناسی، قم، اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، ص ۶۸.

۳ - همان، ص ۶۸.

پاسداری از حریم گوهر دین است و اگر صدف نباشد، درّ و گوهر از بین می‌رود و کسانی که چنین اعتقادی دارند، تعبیر به گوهر و صدف نمی‌کنند، زیرا معنای صدف این است که در مقابل گوهر یک امر کم اهمیت و بی‌ارزشی است و با رسیدن به گوهر باید آن را کنار نهاد و در واقع در دین چیزی به عنوان صدف وجود ندارد، لذا تعبیر به لبّ و قشر دین می‌کنند و معتقدند که همه دین گوهر است، اگرچه از نظر اهمیت دارای مراتب مختلفی باشند و معتقدند که قشر اگرچه از اهمیت کمتری برخوردار است، اما حافظ و نگهبان لبّ و گوهر دین است. بدین خاطر، کنار زدن قشر، موجب زوال دین خواهد بود و باید ضمن اهتمام به لبّ و حقیقت دین، از قشر و شریعت نیز غافل نبود.

بنابراین در میان فلاسفه اسلامی اصطلاح گوهر و صدف دین، در رابطه با آموزه‌های دینی وجود ندارد، بلکه تعبیر به لبّ و قشر دین می‌کنند و مراد آنها هم این است که لبّ نسبت به قشر از اهمیت بیشتری برخوردار است. البته عده‌ای لبّ و قشر دین را همانند اصطلاح گوهر و صدف دین تفسیر می‌نمایند و معتقدند که قشر دین دارای ارزش و اهمیت خاص نمی‌باشد، که در فصول بعدی معتقدین به چنین نظریه‌ای را به صورت مفصل بررسی خواهیم نمود.

۲-۴- علامه طباطبایی(ره)

رسم ادب در محضر علما چنین اقتضاء می‌کند که انسان قبل از بررسی نظریات ایشان ابتدا شناختی اجمالی از زندگی آنها بدست آورد، تا سرمشقی باشد برای جویندگان علم و اخلاق، لذا به صورت مختصر به زندگی علمی و اخلاقی علامه طباطبایی، این عالم خدا ترس، می‌پردازیم.

وی سید محمد حسین بن سید محمد بن میرزا علی اصغر طباطبایی تبریزی قاضی استف که در ۲۹ ذی‌الحجه (۱۳۲۱- ه ق) در تبریز متولد شد و در خانه‌ای که از قدیم الایام به فضل و علم مشهور بودند، پرورش یافت. سلسله اجداد چهارده‌گانه وی همگی از علمای معروف و مشهور بودند. حسینی و حسینی و طباطبایی از القاب ایشان است، که لقب طباطبایی به یکی از